نگاه

نظر شهید بهشتی درباره آموزش جنسی به کودکان

حمله اصولگرایان به سند ۲۰۳۰ حمله به تربیت اسلامی است

داوود حشمتی . روزنامه‌نگار

● منتقدان دولت روحانی درباره سند ۲۰۳۰، هفته گذشته در تمام شهرستان‌ها مشغول تخریب هستند. آنها در روستاها تکثیر می‌کنند که دولت با این سند قصد آموزش جنسی به کودکان را دارد. خدا رحمت کند آیت‌الله بهشتی را که سال‌ها پیش به این مسئله پاسخ داده بود؛ به‌طوری که انگار برای امروز ما حرف زده است. تخریب اصولگرایان نشان می‌دهد نه‌تنها اصل سند را نخوانده‌اند بلکه با اندیشه‌های تئوریسین‌های انقلاب حداقل آشنایی را هم ندارند.

بررسی سند نشان می‌دهد در هیچ‌کجای سند ۵۱ صفحه‌ای آموزشی ۲۰۳۰ حتی یک کلمه هم از «همجنس‌گرایان» نوشته نشده؛ یعنی مخالفان دولت نمی‌توانند حتی یک بند این سند را پیدا کنند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع «همجنس‌گرایان» اشاره کرده باشد. در بند ۶۳ این سند از آموزش جنسی «sexuality education» سخن گفته شده که به‌صورت کلی به تعاریفی چون آمیزش جنسی، سن مجاز، باروری، بهداشت باروری، حقوق باروری، شیوه‌ها و ابزارهای پیشگیری، پرهیز جنسی، بیماری‌های جنسی، آزار جنسی و مصادیق آن و مواردی از این دست می‌پردازد. اما مگر این موارد برای ما ناشناخته است و آموزش در این زمینه برای «مسلمان متدین» ایراد است؟ تفکری که آموزش این مسائل را مذموم می‌شمارد تفکر «کاتولیکی» است. برای پاسخ به این تخریب‌ها فقط کافی است نگاهی به اندیشه‌های دکتر بهشتی بیندازیم تا ببینیم برخی تا چه اندازه با نگاه بزرگان انقلاب ناآشنا هستند. بی‌دلیل نبود که روحانی در همایش آزادی گفت: «به مردم و رهبری عزیز اطمینان می‌دهیم که در چارچوب قوانین و آموزه‌های اسلامی این سند اجرا می‌شود». شهید بهشتی درباره آموزش جنسی به کودکان می‌گوید: در یک محفل علمی و تصمیم‌گیری، این مسئله، که هر چند وقت یک بار مسئله روز می‌شود، مطرح شد و کارشناسان به اصطلاح مطالعه‌کرده، مسافرت‌کرده و دنیادیده، به قول و به خیال خودشان، در این زمینه داد سخن می‌دادند. به آنها گفتم منظورتان از طرح این مسئله چیست؟ اگر منظورتان این است که بچه‌ها در اولین فرصت و زمانی که توانایی دارند، اندام‌های جنسی را بشناسند، نقش اندام‌ها را بدانند، ترشحات اندام‌ها را بدانند، خوب، این مسئله برای بچه مسلمان مسئله تازه‌ای نیست. شما می‌دانید که همیشه همین بچه مسلمان را با رساله عملیه آشنا می‌کردند. سعی می‌شود قبل از اینکه پسر دچار احتلام بشود به او گفته شود که به شکلی از اشکال، ممکن است جُنُب بشود و وظیفه‌اش هم غسل‌کردن است. سعی می‌کردند به دختر خانم‌ها، قبل از اینکه به ۹ سالگی تمام برسند و احتمالا خودشان با مسئله عادت ماهانه روبه‌رو بشوند، به شکلی از اشکال بفهمانند که اگر چنین چیزی دیدی وحشت نکن. به‌هرحال، به آنها گفتم این حرف‌ها برای بچه مسلمان‌ها نیست. این حرف‌ها برای بچه‌های مسیحی است.شما شنیده‌اید که در عالم کاتولیک‌ها، آن هم در میان مسیحیان کاتولیک در دوران گذشته، اصلا نام اندام‌های جنسی را در حضور بچه‌ها به هر شکل بردن گناه تلقی می‌شد. خوب، در اسلام چنین چیزی نیست. مگر نه این بوده است که این رساله‌ها برای خواندن همین بچه‌ها و بزرگ‌ها، که به بچه‌ها یاد بدهند، نوشته شده؟ مگر نه این است که آقایان اهلِ علم مسئله‌گو در هر محلی سعی می‌کردند با هر شکلی مسائل این مطلب را به جوان‌ها بفهمانند؟ بنابراین، من فکر می‌کنم که طرح این مسئله به شکل خیلی روباز و متین با کودک هیچ اشکالی ندارد. هر قدر او را بیشتر در برابر این معمای ندانسته قرار بدهیم یک ظلم به او کرده‌ایم. (دکتر بهشتی، نقش آزادی در تربیت کودکان، صفحه ۲۴ و ۲۵)

خبر

آیت‌الله صانعی:

به آقای روحانی رأی می‌دهم

● تنها کاری که از دست ما برمی‌آید این است که مردم را آگاه کنیم، مرد و زن و جوان را قانع کنیم که به چه کسی رأی بدهند به روحانی یا کسی که کیسه دست گرفته و با وعده می‌خواهد رأی جمع کند... اشتباه این آقایان توهین به ملت است، ملت ما عزت و شرافت می‌خواهد. به آقای روحانی رأی می‌دهیم تا کشتی وسط‌دریامانده را به مقصود برساند، به آقای روحانی رأی می‌دهیم چون ۱۷۰ نماینده مجلس که وظیفه نظارت بر مجلس را دارند او را تأیید کردند، چون خانواده شهید باکری و شهید همت و تعداد بسیار زیادی از خانواده‌های شهدا او را تأیید کردند، چون دانشجویان، اقتصاددانان، متفکران، روشنفکران، مهندسین، فرهنگیان، کشاورزان، همه‌وهمه او را تأیید می‌کنند. از شش ماه قبل تاکنون هر قشری که می‌آید اینجا آقای روحانی را تأیید کرده است و می‌گویند مواظب باشید تا به آقای روحانی رأی داده شود تا بتواند کشور را نجات بدهد. ما وظیفه شرعی خود را باید عمل کنیم و به آقای روحانی رأی بدهیم و به قول امام، عمل به وظیفه شرعی پیروزی است. ان‌شاءالله این انتخابات برای همه ملت ایران در داخل و خارج و همه اقشار مبارک باشد و بتواند رکود را از بین ببرد و آزادی‌ها را بیشتر کند.

باز هم سیاست رأی در استان کردستان و رأی به دکتر حسن روحانی

احسان هوشمند

یکی از سرفصل‌های بااهمیت سیاسی در استان کردستان مانند دیگر نقاط کشور، انتخابات ریاست‌جمهوری است. البته انتخابات ریاست‌جمهوری در استان کردستان و در دوونیم دهه گذشته فرصتی بوده است تا رویکرد مردم و مطالبات و خواسته‌هایشان در استان و در قالب رأی معنادار به نمایش گذاشته شود. نیم‌نظری به تاریخ ۲۴ سال گذشته استان نشان می‌دهد آرای مردم استان کردستان در انتخابات ریاست‌جمهوری به شکلی نسبی معنادار به صندوق‌های رأی ریخته شده است.

در انتخابات ششمین دوره ریاست‌جمهوری و درحالی‌که آقای هاشمی‌رفسنجانی خود را برای دور دوم ریاست‌جمهوری آماده می‌کرد، برخلاف سایر نقاط کشور در استان کردستان آرای نامزد ناشناخته یعنی آقای احمد توکلی بر اکبر هاشمی‌رفسنجانی پیشی گرفت و در این استان توکلی برنده انتخابات بود، هرچند در کل کشور اکبر هاشمی‌رفسنجانی بالاترین رأی را کسب کرد و به این ترتیب شادروان رفسنجانی به عنوان پنجمین رئیس‌جمهور کشور برگزیده شد.

رأی استان کردستان به احمد توکلی در سال ۱۳۷۲ از چند جهت درخورتأمل بود. یک از آن جهت که احزاب مسلح خارج از کشور به شدت بر تحریم انتخابات و مشارکت‌نکردن مردم استان در انتخابات تأکید داشتند و برخلاف درخواست و تبلیغات وسیع این دست از گروه‌های مسلح، اکثریت مردم در استان کردستان در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کردند و آرای خود را به صندوق‌های رأی انداختند. دومین ویژگی رأی در استان کردستان در این دوره آرای معنادار و متفاوت این مردم است که در انتخابات ریاست‌جمهوری پنجم خود را نمایان کرد.

رأی انتقادی به رقیب آقای هاشمی‌رفسنجانی، یعنی نارضایتی مردم از سیاست‌های دولت و مطالبات توسعه‌ای مردم از دولت رفسنجانی موجب شد مردم برخلاف پیش‌بینی‌ها در سال ۱۳۷۲ به رفسنجانی نه بگویند.

این شاخص یعنی مشارکت جدی مردم در استان کردستان و رأی معنادار آنان در انتخابات ریاست‌جمهوری را سال‌ها پیش سیاست رأی نامیده‌ام؛ یعنی مردم با الگوی معناداری در انتخابات مشارکت بالایی داشته‌اند.

یعنی خواهان قهر با صندوق رأی نیستند و از درون همین سیستم در پی استیفای حقوق و مطالبات خود هستند و هم با رأی معنادار خود مطالباتشان را بیان می‌کنند. به سخنی دیگر نه قومی به انتخابات می‌نگرند و نه ساختارشکنانه از انتخابات روی برمی‌گردانند بلکه با شرکت در انتخابات، هم مسیر خود را از ساختارشکنان متمایز می‌کنند و هم با رأی معنادار مطالباتشان را بیان می‌کنند.

در دور هفتم انتخابات ریاست‌جمهوری نیز مردم کردستان در حالی بالاترین درصد آرای خود را به سبد نامزد جناح چپ و کارگزاران آن دوره (اصلاح‌طلبان بعدی) ریختند که مدیریت استان در تلاش بود به هر وسیله‌ای از رأی‌آوری رئیس دولت اصلاحات جلوگیری کند. در هشتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری نیز دوباره اکثریت مردم استان کردستان به رئیس دولت اصلاحات رأی دادند اما اتفاق جالب، رقابت احمد توکلی با رئیس دولت اصلاحات بود که این بار آرای توکلی به کمترین حد یعنی حدود ۳۰ هزار رأی رسید؛ یعنی نشان داده شد رأی به توکلی در انتخابات هشت سال قبل نه رأیی ایجابی بلکه رأیی سلبی بود. در دور نهم انتخابات ریاست‌جمهوری نیز اتفاق ویژه‌ای روی داد. محمود احمدی‌نژاد و شادروان هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات به دور دوم رسیده بودند و رقابت میان این دو در کل کشور معنادار بود. اما در استان کردستان فضا ویژگی دیگری داشت. برخی جریان‌های مسلح خارج از کشور همسو با تندروهای داخلی علیه هاشمی بسیج شده و مدعی بودند هاشمی در ماجرای میکونس نقش دارد و بنابراین از مردم کردستان درخواست کردند انتخابات را تحریم کنند یا لااقل به هاشمی به دلیل نقشش در میکونس رأی ندهند. درحالی‌که در کل کشور احمدی‌نژاد پیروز انتخابات شد اما این بار مردم استان با رأی به هاشمی نشان دادند با تندروی از هر طرف که باشد همراه و هم‌رأی نیستند.

در دور یازدهم انتخابات ریاست‌جمهوری نیز رأی ۷۲درصدی مردم در استان کردستان به حسن روحانی نشانگر استمرار مطالبات توسعه‌ای و قانونی مردم از نظام سیاسی است. کمتر از دو روز دیگر به انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم باقی است. صف‌آرایی دو طیف حامیان اصلاحات در کشور و اصولگرایان هم شکل جدی‌تری به خود گرفته است.

نظری به تجارب دوونیم دهه گذشته نشان می‌دهد احتمال بسیار کمی وجود دارد که آرای مردم استان کردستان به سبد اصولگرایان ریخته شود. سیاست رأی در استان کردستان می‌گوید باز می‌توان به رأی مردم به حسن روحانی امیدوار بود به‌ویژه که در چهار سال گذشته نیز نسبت به چهار سال پیش از آن در استان، تحولات مثبت زیادی قابل مشاهده است. کمتر نشانه‌ای را می‌توان یافت که نشانگر احتمال رأی اکثریت به نامزد اصولگرایان باشد؛ نظرسنجی‌ها هم از رأی بالای دکتر روحانی در کردستان حکایت دارد؛ هرچند گروهی از افراطی‌های خارج و داخل از توجه مردم به روحانی سخت آشفته هستند. جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶روز تجدید عهد ملت ایران به‌ویژه مردم کردستان با اعتدال و اصلاحات است. رأی به حسن روحانی استمرار حرکتی اصلاح‌طلبانه است که در نیمه راه خود چشم‌انتظار مشارکت حداکثری ملت ایران است.

شهروندی و انتخابات

الهام امین‌زاده . دستیار رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی

از دوران پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هیچ‌گاه مبحث حقوق شهروندی به اندازه سال‌های اخیر مورد توجه افکار عمومی و نهادهای اجرائی نبوده است که این موضوع ناشی از توجه دولت یازدهم به حقوق جامع شهروندی بوده که به تحقق و نهادینه‌شدن آن باور داشته است، زیرا نیک می‌دانیم تداوم حکم‌رانی مستلزم توجه به باورها، عقاید، حقوق، تکالیف و نیازهای شهروندان است و اعتقاد بر آن است که فقدان گسترده چنین حقوق پایداری در بلندمدت نظام اجتماعی جامعه را به مخاطره می‌اندازد. براین‌اساس اگر به دامنه حقوق شهروندی بنگریم، مشاهده می‌کنیم که از جزئی‌ترین بخش نظیر ایجاد امنیت پایدار محله‌محور و خدمات شهری مناسب تا محیط زیست پایدار و دسترسی به دادرسی عادلانه و حقوق سیاسی و رفاه اجتماعی و اقتصادی و... را دربر می‌گیرد؛ این یعنی حقوق شهروندی با امنیت اجتماعی، جسمی و روانی شهروندان ارتباط دارد که ضرورت بسترسازی برای تحقق این موضوع را می‌رساند و تغافل در این زمینه از هر بخشی از حکومت، می‌تواند بنیان جامعه را تحت‌تأثیر قرار دهد. بنابراین با توجه به دامنه حقوق شهروندی می‌توان به این حقیقت رسید که تحقق و عمل به این امر صرفا در حوزه قوه مجریه قرار ندارد و تمام ارگان‌های جامعه از قبیل قوه مقننه، قضائیه، شهرداری‌ها و... در این امر دخیل هستند. از سوی دیگر حقوق شهروندی امتیازها و آزادی‌هایی است که به موجب قانون اساسی از آن حمایت شده و رعایت آن ضمانت شده است، به این دلیل نمی‌توان آن را امری بدیع دانست، بلکه صرفا در این دولت در قالب منشور از جهت عمل و اجرا به آن چارچوب منسجمی داده شده و این موضوع ناشی از این باور بوده است که شهروندی اصلی ناظر بر روابط دولت و مسئولان است و نگاه منشور اصلاح بنیادین جامعه در مقابله با فساد، کج‌روی‌ها و غفلت از مردم است؛ یعنی اینکه سازوکارها تغییر یابد و از اقدامات شکلی و شعاری پرهیز شود و جایگاه شهروندان به‌عنوان موتور پویای حرکت و تعالی جامعه بیش‌ازپیش تقویت شود. ازاین‌رو باید شهروندی را امری فراانتخاباتی دانست و نباید با تقلیل آن به اهداف سیاسی و تلاش در جهت تضعیف رقیب آن را از معنا و هویت تهی کرد، زیرا باور و تلاش در این مدت این‌گونه بوده است که در عرصه عمل و بدون قرارگرفتن در فضای شعاری، کرامت شهروندان پاس داشته شود و این موضوع ناشی از اعتقاد و باور عملی در جهت تکریم شهروندان و بسط مجدد ارزش‌های مغفول‌مانده به‌ویژه در فصل سوم قانون اساسی است. بنابراین باید توجه داشت که حکومت نماد اراده جمعی است و تضعیف آن به هر شکلی تضعیف مجموعه نظام اعم از شهروندان و حاکمان است. بدین روی توجه به حقوق شهروندی به‌عنوان گفتمان ملی و پرهیز از رفتار انتخاباتی و شعاری که خود بازتابنده باورنداشتن به این مسیر است، عاملی مؤثر در تداوم و نهادینه‌شدن آن در جامعه است. با توجه به ماهیت و ذات حمایت‌گرایانه حقوق شهروندی، چنانچه آن را در سطح انتخابات تقلیل دهیم، از معنا و هویت تهی می‌شود و فلسفه وجودی و عملی آن در جامعه ذایل می‌شود. بدین جهت ضروری است همه برنامه‌ها بر مبنای قانون اساسی و در مسیر تحقق کامل پوشش حمایتی شهروندان حرکت کند، همان‌گونه که ساختارهای تاریخی و نمونه‌های هم‌کنشی موفق در این مسیر نشان داده است به موازات تلاش در جهت تحقق رفاه اجتماعی و اقتصادی، مشارکت بیشتر سیاسی و... در جهت تحقق بیش‌ازپیش حق دادرسی عادلانه و شهروندی مدنی، ایجاد محیط اجتماعی و خدمات شهری مناسب، فضای روانی توأم با اعتماد و جامعه عاری از فقر، فساد و... که گاهی ناشی از بسترهای نامناسب محیط اجتماعی است، حرکت کنیم.

چه کسی سفره فقرا را کوچک‌تر کرد؟

حسن مقیمی . اقتصاددان

الف) سفره ایرانی عمدتا متشکل از ۱۰ قلم اصلی گوشت قرمز، گوشت مرغ، حبوبات، برنج، روغن، قندوشکر، چای، لبنیات، تخم‌مرغ و نان است که میانگین مصرف هریک برای هر نفر ایرانی در سال به شرح ستون سوم جدول زیر است؛ یعنی مثلا به‌طور متوسط هر نفر ایرانی سالانه ۱۱ کیلوگرم گوشت قرمز و ۲۶ کیلوگرم مرغ و ۱۱۷ کیلوگرم نان و... مصرف می‌کند.

ب) طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، تعداد اعضای خانوار ایرانی به‌طور متوسط ۳.۳ نفر است. بنابراین سرانه مصرف ماهانه هر خانوار ایرانی به شرح ستون ۴ جدول زیر است؛ یعنی به‌طور متوسط هر خانوار ایرانی ماهانه سه کیلوگرم گوشت قرمز و هفت کیلوگرم گوشت مرغ و ۳۲ کیلوگرم نان (یا معادل روزانه ۲.۵ عدد نان سنگک) و... مصرف می‌کند.

ج) براساس قیمت‌های بازار که به‌طور هفتگی از سوی اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی منتشر می‌شود، هزینه ماهانه ۱۰ قلم عمده سفره ایرانی را می‌توان برای زمان‌های مختلف محاسبه کرد. مثلا میانگین قیمت گوشت قرمز (گوساله و گوسفندی) در مردادماه ۱۳۸۴ (پایان دوره اصلاحات) حدود چهارهزارو ۸۰۰ تومان و در مرداد ۱۳۹۲ (پایان دوره مهرورزی) با ۶.۳ برابر افزایش به حدود ۳۰هزارو ۲۸۰ تومان رسید و در اردیبهشت ۱۳۹۶ به حدود ۳۹هزارو ۹۰۰ تومان افزایش یافته است. بنابراین هزینه سه کیلوگرم گوشت قرمز در سفره هر خانوار متوسط ایرانی از ۱۴هزارو ۶۰۰ تومان در مرداد ۱۳۸۴ به ۹۱هزارو ۶۰۰ تومان در مرداد ۱۳۹۲ و نهایتا به ۱۲۰هزارو ۶۰۰ تومان در اردیبهشت ۱۳۹۶ رسیده است. همین محاسبات برای سایر اقلام در جدول زیر آمده است.

د) جمع مخارج هر خانوار برای اقلام ۱۰ گانه سفره ایرانی در مردادماه سال ۱۳۸۴ (پایان دولت اصلاحات) حدود ۷۳هزارو ۶۸۰ تومان بود که در مردادماه ۱۳۹۲ (پایان دولت مهرورزی) با ۵.۳ برابرشدن به رقم ۳۹۳هزارو ۸۵۰ تومان رسید و هم‌اکنون در اردیبهشت سال ۱۳۹۶ (ماه‌های پایانی دور اول دولت تدبیر و امید) با رشد سالانه هفت درصد به ۵۰۶ هزار تومان رسیده است. مقایسه مخارج بالا به‌تنهایی گویای کوچک یا بزرگ‌شدن سفره ایرانی نیست، اما به‌وضوح تب تورم سهمگین ایجادشده در دوره مهرورزی دولت نهم و دهم را نشان می‌دهد که مردم هرروز شاهد کاهش ارزش پول خود بودند.

هـ) برای اندازه‌گیری سفره هر خانوار باید بررسی کرد که درآمد خانوارها، به‌خصوص خانوارهای کم‌درآمد و مستضعف چقدر افزایش داشته و با آن قادر بوده‌اند چه مقدار از اقلام سفره خود را تأمین کنند. حداقل دستمزد طبق قانون کار برای سه سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ به‌ترتیب ۱۲۹،۶۵۲ تومان و ۵۵۷،۱۲۵ تومان و ۱،۰۷۹،۹۳۰ تومان بوده است.

و) ارقام جدول نشان می‌دهند که در سال ۱۳۸۴ و پایان دولت اصلاحات، حدود ۵۷ درصد از درآمد خانوارهای کم‌درآمد صرف تأمین نیازهای معیشتی ضروری شده و به عبارت بهتر هر خانوار کم‌درآمد می‌توانست با حداقل حقوق قانون کار حدود ۱.۷۶ برابر نیاز سفره معیشت خود را تأمین کند.

در پایان مهرورزی دولت دهم در مرداد ۱۳۹۲، هر خانوار کم‌درآمد باید ۷۱درصد از درآمد خود را به معیشت ضروری اختصاص می‌داد و به‌عبارتی با حقوق و دستمزد خود می‌توانست ۱.۴۱ برابر نیاز معیشت ضروری خود را تأمین کند.

در پایان دور اول دولت تدبیر و امید در اردیبهشت ۱۳۹۶، خانوارهای کم‌درآمد می‌توانند با اختصاص ۴۷درصد درآمد حداقل قانون کار، نیازهای معیشتی ضروری خود را تأمین کنند و به‌عبارت دیگر می‌توانند با درآمد خود، ۲.۱۳ برابر نیاز معیشتی خود را تأمین کنند.

ز) با شرح و محاسبات بالا می‌توان گفت اندازه سفره خانوارهای کم‌درآمد ایرانی از ۱.۷۶ برابر نیاز معیشتی در پایان دوره اصلاحات با ۲۰درصد کاهش در دوره دولت نهم و دهم به ۱.۴۱ در مردادماه ۱۳۹۲ تقلیل یافته و سپس با افزایش قابل‌ملاحظه ۵۰درصد در عرض کمتر از چهار سال به ۲.۱۳ برابر در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است.

واضح است که سفره خانوارهای ایرانی در دولت مهرورزی کوچک و کوچک‌تر شده است. این در حالی است که درآمدهای نفتی افسانه‌ای آن دولت می‌توانست فقر را برای همیشه در سرزمین منتظران عدالت ریشه‌کن کند. از سوی دیگر می‌توان گفت که با تدبیر ملت برای روی‌کارآوردن دولت اعتدال و تلاش برای کاهش تورم و نیز افزایش دستمزد کم‌درآمدها، سفره معیشت مستضعفان گسترده‌تر شده و از ۱.۴۱ در دولت دهم با ۵۰درصد افزایش به ۲.۱۳ در دولت اعتدال رسیده است.

کسانی که هنوز بر طبل پوسیده پرداخت نقدی یارانه‌ها می‌کوبند و دم از حمایت از فقرا می‌زنند باید توجه داشته باشند که دستیابی به هدف مقدس خدمت به محرومان با طناب پاره کسانی که هشت سال سفره فقرا را کوچک‌تر کرده‌اند امکان‌پذیر نیست و این جفا به مردم ستم‌کشیده است که دوباره آنان را به ورطه فقر بیشتر برگردانند.

جدول محاسبه اندازه سفره خانوارهای کم‌درآمد ایرانی — ارقام به ریال

ردیف	اجزای سفره هر خانوار ایرانی	واحد	مصرف سرانه سالانه	مصرف ماهانه هر خانوار	مردادماه ۱۳۸۴ قیمت واحد	مردادماه ۱۳۸۴ هزینه سفره ماهانه هر خانوار ایرانی	مردادماه ۱۳۹۲ قیمت واحد	مردادماه ۱۳۹۲ هزینه سفره ماهانه هر خانوار ایرانی	اردیبهشت ۱۳۹۶ قیمت واحد	اردیبهشت ۱۳۹۶ هزینه سفره ماهانه هر خانوار ایرانی
۱	گوشت قرمز (میانگین گوسفند و گوساله)	کیلوگرم	۱۱	۳،۰۳	۴۸،۴۰۰	۱۴۶،۴۱۰	۳۰۲،۸۱۰	۹۱۶،۰۰۰	۳۹۸،۹۰۵	۱،۲۰۶،۶۸۸
۲	گوشت مرغ	کیلوگرم	۲۶	۷،۱۵	۱۴،۷۰۰	۱۰۵،۱۰۵	۶۱،۰۲۰	۴۳۶،۲۹۳	۶۴،۴۵۰	۴۶۰،۸۱۸
۳	شیر (و لبنیات معادل آن)	لیتر	۱۲۰	۳۳	۶،۰۰۰	۱۹۸،۰۰۰	۲۱،۷۸۰	۷۱۸،۷۴۰	۲۹،۰۳۰	۹۵۷،۹۹۰
۴	تخم‌مرغ	کیلوگرم	۱۱،۷۵	۳،۲	۸،۸۲۰	۲۸،۵۰۰	۳۷،۴۶۰	۱۲۱،۰۴۳	۴۴،۷۷۵	۱۴۴،۶۷۹
۵	برنج (میانگین ایرانی و خارجی)	کیلوگرم	۳۷	۱۰،۱۷۵	۸،۵۷۳	۸۷،۲۳۴	۴۷،۴۷۰	۴۸۳،۰۰۷	۷۸،۴۶۳	۷۹۸،۳۶۴
۶	روغن	لیتر	۱۷	۴،۶۸	۹،۸۰۰	۴۵،۸۱۵	۴۵،۹۵۰	۲۱۴،۸۱۶	۵۲،۶۰۰	۲۴۵،۹۰۵
۷	حبوبات (میانگین ۷ قلم)	کیلوگرم	۱۰	۲،۷۵	۱۲،۲۰۰	۳۳،۵۵۰	۸۱،۳۵۸	۲۲۳،۷۳۶	۱۰۵،۱۶۹	۲۸۹،۲۱۴
۸	نان	کیلوگرم	۱۱۷	۳۲،۱۷۵	۱،۱۳۶	۳۶،۵۶۲	۱۸،۱۸۲	۵۸۵،۰۰۰	۱۸،۱۸۲	۵۸۵،۰۰۰
۹	چای خارجی	کیلوگرم	۱.۵	۰،۴۱۳	۳۱،۰۰۰	۱۲،۷۸۸	۱۵۰،۸۸۰	۶۲،۲۳۸	۲۲۱،۸۱۰	۹۱،۴۹۷
۱۰	قندوشکر (میانگین هردو)	کیلوگرم	۲۷	۷،۴۲۵	۵،۷۷۵	۴۲،۷۸۹	۲۳،۹۲۵	۱۷۷،۶۴۳	۳۷،۷۰۰	۲۷۹،۹۲۳
	جمع هزینه ماهانه سفره یک خانوار	–	۳۷۸	۱۰۴	–	۷۳۶،۸۴۳	–	۳،۹۳۸،۵۱۶	–	۵،۰۶۰،۰۷۶
	حداقل درآمد (دستمزد قانون کار)	–	–	–	–	۱،۲۹۶،۵۲۰	–	۵،۵۷۱،۲۵۰	–	۱۰،۷۹۹،۳۱۰
	اندازه سفره خانوار ایرانی	–	–	–		۱،۷۶		۱،۴۱		۲،۱۳

نگاه

شناسنامه‌ام را بیاورید

نعمت احمدی . حقوق‌دان

● مادرم بیمار است، از آن دست بیماری‌هایی که فرزندان و نوه‌ها دورش جمع شده‌ایم. درست مثل صحنه آخر فیلم مادر اثر زنده‌یاد علی حاتمی، با این تفاوت که بیماری جسمی توش و توان مادرم را گرفته و باورم نمی‌شود زنی که روزگاری فکر می‌کردم با یک دست خود قادر است همه دنیا را تکان دهد، ضعیف و ناتوان روی تخت افتاده و دارد نصیحت می‌کند نصیحت که نه، وصیت؛ شناسنامه‌ام را می‌خواهم شناسنامه‌ام را بیاورید، تعجب می‌کنم. با این حال و روز شناسنامه را برای چه کاری لازم دارد؟ وضع اموالش را مدت‌ها قبل روشن کرده است. قصد دارد وضعیت تازه‌ای داشته باشد، قادر به حرکت نیست. ویلچرش را هم می‌خواهد؛ مدت‌هاست از ویلچر استفاده نکرده است. می‌گوید شناسنامه را برای رأی‌دادن می‌خواهم و ویلچر را برای رفتن تا پای صندوق رأی. این آخرین رأی‌دادنی است که من زنده‌ام؛ اصلا از خدا می‌خواهم تا جمعه زنده باشم و آخرین وظیفه‌ام را انجام دهم، آن وقت بمیرم! بلند می‌شوم و از اتاق می‌زنم بیرون، گوشه‌ای می‌نشینم و اشکی می‌ریزم؛ بقیه هم همین وضع را دارند. با ویلچر به اتاقش برمی‌گردم و دست خواهرم هم شناسنامه مادر است. می‌گوید همه باید رأی بدهند... این روزها من هم نگرانم. ترامپ دیوانه درست یک روز بعد از انتخابات ما در اولین سفر خارجی خود عازم عربستان است. عربستان که مطیع و سربه‌راه است و هرچه اسلحه بفروشند می‌خرد! چرا باید در اولین سفر خارجی به جای دیدار از هم‌پیمانان قدرتمند اروپایی خود به عربستان بیاید؟ بی‌تعارف انتخابات پیش‌رو با همه انتخابات گذشته فرق دارد. اگر با تکیه بر واقعیت‌های موجود بررسی کنیم، به این باور که هیچ، به این تکلیف می‌رسیم که باید حتما در رأی‌دادن شرکت و دیگران را به رأی‌دادن تشویق کرد. سکان اداره آمریکا برای اولین‌بار به دست مردی افتاده که در کارنامه سیاسی خود حتی سابقه یک روز کار اجرائی را ندارد. اما او تاجری است که همه‌چیز می‌خرد و می‌فروشد. خنده‌دار است در قرن ۲۱ سکان اداره بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا به دست کسی افتاده که با دید تجاری به همه قضایا نگاه می‌کند؛ کنگره آمریکا تحت سیطره جمهوری‌خواهان تندرو درصدد تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران بود که به اصطلاح دست نگه داشتند تا تکلیف انتخابات ایران روشن شود. جالب است اولین سفر رئیس‌جمهور آمریکا یک روز بعد از انتخابات ایران که در واقع نتیجه انتخابات روشن شده است، به کشوری صورت می‌گیرد که بیشترین دشمنی را با ایران داشته و دارد. جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران، از خزانه عربستان تغذیه می‌کرد، رجزخوانی‌های جوان حاکم، محمد سلمان، ولیعهد زاپاس را شنیده‌ام و گزاف‌گویی‌های عادل‌الجبیر وزیر امور خارجه این کشور را و مهم‌تر از آن ترامپ تاجر که می‌گوید باید ناتو هزینه‌های خود را بپردازد، باید عربستان را دوشید و اگر می‌خواهد از مواهب کشور ما سود ببرد هزینه بپردازد. سابقه تندروی را هم در همین سال‌ها داریم. آن روز که آقای احمدی‌نژاد بساط سخنرانی را سر هر کوچه و بازار پهن و از ورق‌پاره‌ها صحبت می‌کرد و آدرس آب‌ریختن بر آتش خشم دیگران را می‌داد و از اثرات تحریم در شهرها که مردم مستأصل نسخه به دست دنبال دارو اشک می‌ریختند، با زبان طعنه سخن می‌گفت را فراموش نکرده‌ایم، یکی از داروهای مادر بیمارم را که باید هر روز مصرف می‌کرد، به سختی از این دوست و آن دوست با قیمت گزاف تهیه می‌کردیم. اما امروزه در همان شهرستان زرند کرمان با کمترین قیمت در اختیارش می‌گذارند، زمانه تندروی گذشته و نمی‌توان با ادبیات قدیم به جنگ دیوانه‌ای مانند ترامپ رفت. عربستان ابایی ندارد که دشمنی خود را با ایران علنی کند و با تأسف نسل اول فرزندان عبدالعزیز رو به انقراض است و با مرگ مرده متحرک ملک سلمان، سکان اداره این کشور ثروتمند که گوش به فرمان آمریکاست، به دست نسل دوم فرزندان عبدالعزیز افتاده که نمونه رفتار آنان را در گفتمان محمدبن‌سلمان، زاپاس ولیعهد عربستان دیده‌ایم. نگذاریم تاریخ تکرار شود. تکرار تراژیک آن برای نوبت پیش‌رو از سوی کسانی که با ادبیات عوامانه خود درصدد انسداد سیاسی و به‌عقب‌بردن کشور هستند. تعهد اخلاقی و سیاسی را در رفتار کاندیدای انصراف‌داده دیدیم که با چه لحنی به حضور آقای دکتر جهانگیری در رقابت‌های انتخاباتی اشاره کرد و با نیشخند گفت که صداقت شما چند روز دیگر معلوم می‌شود؛ شما آمده‌اید که از وقت استفاده کنید و یک مشت آمار دولت را بخوانید؛ این مرغ زیرک با آن ادبیات را دیدیم که عطای دولت مردم را به لقای دولت کرامت بخشید، دیگر کاندیدا را هم می‌شناسیم که در سابقه‌اش یک روز کار اجرائی نکرده است و دم از سوءمدیریت‌ها می‌زند، می‌گوید ما منبع مالی برای افزایش چندبرابری یارانه‌ها و ایجاد میلیون‌ها شغل را داریم اما سوءمدیریت داریم و دریغ از یک برگ از حسن مدیریت خود. روز جمعه ۲۹ اردیبهشت تنها یک روز ساده در تقویم سیاسی کشورمان نیست حتی انتخاب یک فرد برای چهار سال آینده نیست، تعیین نقشه راه مدیریت کشور به وسیله یک تفکر است؛ تفکری که همانند هشت سال دولت محمود احمدی‌نژاد کشور را به ورطه ورشکستی کشاند یا تفکر اعتدالی که چهارسالی است سرگرم خارج‌کردن چرخ‌های دولت از آوار ویرانی دولت سابق است و می‌رود نقشه‌راهی را پیش پایمان بگذارد که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نوید آن را با ادبیات اعتدالی خود داد یا سید اصلاحات که برنتافتند. وقتی مادر بیمار رو به موت من با ویلچر اول وقت روز ۲۹ اردیبهشت پای صندوق رأی حاضر است و به اعتدال و میانه‌روی رأی می‌دهد، چرا عده‌ای با پای راهوار در خانه بمانند و منتظر تندروی باشند؟